

تفسیر و تحلیل متون زبان و ادبیات فارسی (دهخدا)

دوره ۱۵، شماره ۵۷، پاییز ۱۴۰۲، صص ۴۵۰-۴۷۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۲/۵، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۹/۳۰

(مقاله پژوهشی)

DOI: [10.30495/dk.2022.1957417.2481](https://doi.org/10.30495/dk.2022.1957417.2481)

تحلیل شعر آیینی در دیوان «حزین لاهیجی»

مهتاب قدرت^۱، دکتر اکرم رحمانی^۲، دکتر عبدالرضا مدرسزاده^۳

چکیده

ادبیات آیینی با فرهنگ و اندیشه ایرانی پیوند ناگسستنی دارد. شعر آیینی بخش مهمی از ادبیات فارسی است که شاعران اهمیت و اعتبار ویژه‌ای به آن می‌دهند. این نوع ادبی در زبان فارسی از پیشینه و جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. شعر آیینی، شعری است که در مورد آیین‌ها و بسیاری از مناسبت‌های زندگی فردی و اجتماعی، دینی و مذهبی، قومی و منطقه‌ای سروده می‌شود. این نوع شعر معمولاً حاوی مدح و منقبت پیامبر گرامی اسلام (ص)، ائمه اطهار (ع) و آیین‌های کهن باستانی و ملی است. با پیروزی انقلاب اسلامی، شعر آیینی که گاهی ولایی نامیده می‌شود؛ وارد مرحله‌ای تازه شده و شاعران به واسطه ماهیت دینی و حماسی انقلاب به گونه‌ای متفاوت از دوره گذشته به شعر آیینی روی آورند و این مضمون رو به فزونی قرار گرفت. در این پژوهش به شیوه توصیفی-تحلیلی، به جایگاه شعر آیینی در دیوان حزین لاهیجی که از شاعران بنام استان گیلان است، پرداخته شده و اشعار ایشان که در مدح و منقبت پیامبر اسلام (ص) و بزرگان دین سروده شده است، مورد بررسی قرار گرفته است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که حزین لاهیجی در اشعار خود به فضایل بزرگ انسانی پیامبر (ص) و ائمه اطهار (ع) توجه خاص داشته است.

واژه‌های کلیدی: شعر آیینی، حزین لاهیجی، پیامبر (ص)، ائمه اطهار (ع).

^۱ دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد کاشان، دانشگاه آزاد اسلامی، کاشان، ایران.

mahtab.ghodrat@yahoo.com

^۲ استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد کاشان، دانشگاه آزاد اسلامی، کاشان، ایران. (نویسنده مسؤول)

peighamesoroush@yahoo.com

^۳ دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد کاشان، دانشگاه آزاد اسلامی، کاشان، ایران.

Drmodarreszadeh@yahoo.com



مقدمه

ادبیات آیینی، متون و اشعاری است که پیرامون موضوعات توحیدی، دینی و معنوی، توسط مداحان اهل بیت (ع) سروده می‌شود، پیش از این با عنوان‌هایی چون ادبیات دینی، ادبیات مذهبی، ادبیات مناسبتی و ... نام‌گذاری می‌شدند که در گذر زمان به عنوان ادبیات آیینی تغییر نام پیدا کرد. وسعت ادبیات آیینی فراتر از ادبیات دینی است، زیرا آیین‌ها هر چند عمدتاً خاستگاه دینی دارند؛ اما گاه آیین‌هایی وجود دارد که خاستگاه آن مسائلی چون ملیت و قومیت است و در ایران نیز نمونه‌هایی از آن را می‌توان نام برد. به طور مثال انواع آیین‌های نوروزی و چهارشنبه سوری و ... را می‌توان ذکر کرد که ریشه در تاریخ کهن و قومی پارسی‌زبانان دارد. اکثریت مردم، تعریف شعر آیینی را آن سروده‌هایی که درباره نعت پیامبر(ص) و مرثیه ائمه اطهار (ع) سروده شده باشد، می‌دانند و تنها شعرهایی را که درباره مناسبت‌های مذهبی و فرایض دینی سروده شده در این محدوده قرار می‌دهند. شعر آیینی از مضامین اشعار حزین لاهیجی است که نشان دهنده تعهد ایشان به مذهب است؛ به طوری که می‌توان او را در زمره برجسته‌ترین شاعران مذهبی و آیینی ایران نام برد که با بیانی هنری و آمیخته به لطافت سخن، عقاید مذهبی که ناشی از محبت و باور قلبی خود را به اهل بیت عصمت و طهارت(ع) است را به تصویر می‌کشد.

مجموع اشعار آیینی حزین لاهیجی شامل موضوعاتی از قبیل؛ توحید حضرت باریتعالی، نعت خاتم النبیین،

مدح امیرالمومنین علی (ع)، مدح سالار شهیدان امام حسین (ع)، مدح امام رضا (ع)، مذمت جهان ناپایدار، مدح امام مهدی (عج) و در مدح حضرت فاطمه (س) می‌گردد. سروده‌های حزین به صورت مناجات‌نامه و نیایش در قالب قصاید، ترکیب‌بند، غزلیات، رباعیات به جا مانده است که در این مقاله به قسمتی از آن پرداخته شده است.

پیشینه تحقیق

در زمینه اشعار آیینی و بررسی جایگاه این نوع شعر در دیوان حزین لاهیجی از شاعران معاصر و صاحب‌نام استان گیلان، تحلیل و تحقیق جامع و مستقلی به عمل نیامده است. لازم به توضیح است هر چند در زمینه ادبیات آیینی، رساله‌ها و مقالات، کم نیستند و در تبیین شعر آیینی، مطالب مفید و راهگشایی برای شاعران ایرانی نگاشته شده است، اما در خصوص اشعار

آیینی دیوان حزین لاهیجی، بررسی و تحلیلی مستقل صورت نگرفته است؛ اما با تفحص در منابع و مقالات به مقاله‌ای تحت عنوان «استقبال و معارضه حزین لاهیجی در قصاید» که توسط علی محمد مؤذنی نوشته شده و در فصلنامه مطالعات شبه قاره سیستان و بلوچستان به چاپ رسیده است، اشاره می‌کنیم، نویسنده در آن به مدیحه گوئی و منقبت پردازی حزین لاهیجی پرداخته است. به همین دلیل در این مقاله، ابتدا به معرفی شعر آیینی، زندگی‌نامه و تحلیل اشعار آیینی حزین می‌پردازیم.

روش تحقیق

این پژوهش به شیوه توصیفی-تحلیلی و با استفاده از اسناد کتابخانه‌ای مبتنی بر متون و اشعار دیوان حزین لاهیجی انجام خواهد شد.

مبانی تحقیق

شعر آیینی

اشعاری که در موضوعات حمد و ستایش خدا، قرآن کریم، مدح یا رثای معصومین (ع)، غدیر، بعثت، معراج رسول (ص)، ظهور، عاشورا، تولد و تبری اهل بیت عصمت و طهارت و نیز درباره یاران آنان باشد، در حوزه شعر آیینی قرار می‌گیرند.

شعر آیینی ترکیبی است از شعر و آیین؛ از این رو باید شاخصه‌ها و ویژگی‌های ممتاز شعر، چه از نظر جذابیت و تأثیرگذاری و چه از نظر ساخت و بافت منسجم در آن دیده شود. وقتی از آیین صحبت می‌شود یعنی باید نمادهای ارزشی و فرهنگی آیین که در این مقوله به طور مشخص دین است در آن باشد. بنابراین می‌توان گفت: هر مقوله شعری که صبغه دینی داشته باشد و متأثر از آموزه‌های اسلامی باشد، در قلمرو شعر آیینی قرار می‌گیرد (ر.ک: محدثی خراسانی، ۱۳۸۸: ۲۵).

شعر آیینی در شاخه‌های تحمیدیه، شعر نبوی، شعر علوی، شعر فاطمی، شعر عاشورایی، شعر رضوی، شعر مهدوی و شعر دیگر ائمه دین تعیین پیدا می‌کند. «شعر آیینی در مفهوم گسترده آن، آن دسته از سروده‌ها که مبتنی بر فرهنگ عامه و مبانی ایدئولوژیک باشد از این منظر طیف وسیعی از سروده‌هایی که حتی در انواع تعلیمی، حماسی، غنایی و نمایشی جای می‌گیرند نیز مشمول این تعریف خواهند شد» (دلبری، ۱۴۰۱: ۱۱۷). شعر آیینی شریست که «در مورد آیین‌ها و مناجات، مدیحه، سوغ، شادمانی و بسیاری از مناسبت‌هایی که در زندگی

فردی، اجتماعی و دینی و ملی و قومی و منطقه‌ای مطرح است، سروده شده باشد» (نوریان، خردمندپور، ۱۳۹۳: ۱۹). شعر آیینی برآمده از اعتقادات معنوی شاعران و ارادتی است که به ساحت بزرگان دینی دارند.

با این تعریف شعر آیینی شامل بخش‌های زیر می‌شود:

الف) شعر مدیحه و منقبت که برای مدح، ستایش و تکریم شخصیت‌های دینی، بزرگان و چهره‌های معنوی به کار می‌رود.

ب) شعر مرثیه در شهادت طلبی مانند عاشورا، اربعین حسینی، شهادت ائمه سروده می‌شوند.

ج) سروده‌های مرتبط با آیین‌های مذهبی، بومی و منطقه‌ای.

د) شعر نیایش و مناجات.

حزین لاهیجی

محمد علی معروف به حزین لاهیجی شاعر ارزشمند قرن دوازدهم (متولد ۱۱۰۳ متوفی ۱۱۸۰) با آن که در اصفهان متولد شده است؛ اما به خاطر پدرش که اهل لاهیجان بوده به لاهیجی شهرت یافته است (ر.ک. زرین کوب، ۱۳۷۱: ۱۴۹). ایشان تخلص حزین را از شیخ خلیل الله یافته است (ر.ک: صدیقی، ۱۳۸۴: ۹). «خانواده وی به شیخ زاهد گیلانی، مرشد شیخ صفی‌الدین اردبیلی می‌پیوست» (زرین کوب، ۱۳۸۵: ۴۵۲). حزین ابتدا از پدر تلمذ کرده و بعد از محضر ملا شاه محمد شیرازی بهره برده است (ر.ک: صدیقی، ۱۳۸۴: ۱۰). هنگام فتنه افغان اصفهان را ترک کرده و به خرم‌آباد و همدان و دزفول، نجف و مشهد می‌رود (ر.ک: همان: ۴۵۲). وی بعد از حمله افغان به هند سفر کرده و در آنجا سکنی می‌گزیند (ر.ک: شمیس، ۱۳۸۳: ۱۱۷).

حزین لاهیجی طبعی لطیف و ذوقی سرشار داشت و در شعر از سبک هندی پیروی می‌کرد. حزین حدود ۳۴ سال در شهرهای دهلی و سپس بنارس هندوستان زندگی زندگی کرد و در حالی که ۷۷ سال از سن شریف‌شان می‌گذشت، در شهر بنارس زندگی را بدرود گفت و همان جا در باغی که بنا کرده بود دفن شد. با توجه به اینکه حزین چندین سال در شیراز اقامت داشت و علاقه وافر وی به غزلیات و قصاید حافظ و سعدی مشهود است، در این راستا اشعار او تمام مختصات غزلیات و قصاید حافظ، سعدی و جامی را دارد. افکار حزین عالی و زیان‌ناش صاف و شیرین است. شخصیت و افکار و اندیشه‌های هر شاعری را در اوضاع اجتماعی و

محیط زندگی او باید جستجو کرد؛ زیرا که او هر چه می‌سراید، آیینۀ تمام نمای زندگی اجتماعی است. حزین تحت نظارت پدر بزرگوارش تحصیلاتش را فرا گرفت و با مکتب بزرگان عشق الهی و عرفان، چون سعدی شیرازی، حافظ شیرازی، سنایی غزنوی، عطار نیشابوری و مولوی خو گرفت و از همان آغاز زندگی، رودکی‌وار شعر زمزمه می‌کرد و در حضور بزرگان ادب آن روزگار، اشعار خود را می‌خواند و موجب شگفتی و تعجب بزرگان می‌شد.

بحث

شعر و شاعری حزین

اشعار حزین دارای مضامین اخلاقی و اجتماعی و عرفانی است. یکی از عوامل شهرت حزین کثرت اطلاعات و تسلطی است که وی به زبان‌های عربی و فارسی داشته و با زبان آوری کامل و آوردن مثال‌های مناسب، اشعار خود را به مضامین دل‌انگیز آراسته نموده است.

امیرالملک سید محمد صدیق هم دربارهٔ حزین می‌گوید: «در شاعری و سخنوری مرتبۀ ارجمند، زبان او از غایت صفا به آب زلال می‌ماند و کلام او نهایت آبداری نسبت به سلک لآلی می‌رسانده» (شمع جمع، ۱۲۹۳: ۱۳۰). حزین به معارف الهی و عرفان تمایل داشته و در اشعار خود از عشق و مضامین عرفانی گفته است:

عشق می‌گویم و چون شمع لبم می‌سوزد راز پنهانی‌ام امشب به زبان افتاده است
(حزین لاهیجی، ۱۳۵۰: ۲۶۲)

عشقی حقیقی که همانند باده‌ای پر فسون، حزین عاشقِ عارف را مست و دیوانه گردانیده است:

می‌عشق است که عالم همه افسانه اوست خرد پیر خراباتی دیوانه اوست
(همان: ۲۶۳)

از گفتار و اشعار و کردار او آشکار است که وی به آنچه در دین مبین اسلام آمده، اعتقادی راسخ و ایمانی کامل و همچنین به گفتار و کردار و کرامات عرفا و صوفیان احترامی وافر داشته است. هیچ گاه شک و تردیدی در عقاید او راه نیافته است، وی با افکار فلسفی و استدلال منطقی کمتر سروکار داشته و بحث و استدلال و شک و تردید را به هیچ وجه در امور دینی جایز نمی‌داند.

حزین حُسن خدا را حس می‌کند. تزلزل و بی‌ثباتی دنیا او را نگران می‌کند. ترس از مرگ، ترس از گناه و ترس از دوزخ وجودش را می‌لرزاند و او را از دنیای انسان‌ها به سوی خدا می‌کشاند. می‌گوید:

۴۵۵

خدایا به جاه خداوندیت	که بخشی مقام رضامندیت
طمع نیست از کشت بی حاصلم	به خشنودیت کار دارد دلم
بسی شرمسارم ز نفس فضول	ز طاعت مکدر ز عصیان ملول
ندارم بجز عجز چیزی به کف	شد از کف مرا نقد فرصت تلف
به درگاهت آورده‌ام عجز خویش	سر از شرم بی‌برگی افکنده پیش

(همان: ۵۲۶)

در غزل‌های حزین ابیات متعددی وجود دارد که ثابت می‌کند که دل حزین از باده عرفان لبریز است. عرفان در وجود حزین بگونه‌ای جا کرده بود که در زندگی حقیقی او و در دیوانش به صورت شعر نمایان است. وی به واقعه‌ی مربوط به حضرت موسی و جلوه‌ی باری تعالی روی کوه طور، تلمیح‌وار اشاره کرده و همانند حضرت موسی (ع) خود را در جستجوی حقیقت واحد می‌داند:

منم آن موسی سرگرم که در طور وجود
هر طرف می‌نگرم آتش سوزانی هست

(همان: ۲۵۷)

و می‌گوید که به هر سو که می‌نگرم آتش سوزانی است. آتش سوزان، به معنی جلوه‌ی باری تعالی است. چون به هر سو که نگاهی افکند جلوه‌ی محبوب است. حزین می‌گوید همه ذرات عالم نشانی از یار دارد:

نشان ز آن یار هر جایی چه جویی
دل هر ذره‌ای کاشانه‌ی اوست

(همان: ۲۷۲)

که این بیت و دیدگاه حزین یادآور این حدیث است: «كنت كنزاً مخفياً فاحببت أن اعرف فخلقت الخلق لاعرف»: گنجی پنهان بودم می‌خواستم آشکار شوم پس خلق را آفریدم تا مرا بشناسند (ر.ک: مجلسی، ج ۸۴، ۱۳۹۳: ۱۹۹). دیدگاه حزین در اتحاد عاشق و معشوق همان وحدت وجودی است که در عشق الهی و حقیقی، تفاوتی میان عشق و عاشق و معشوق باقی نمی‌ماند:

چون وصل در ننگد هجران کجاست لایق
آری کی است این جا معشوق و عشق و عاشق

(حزین لاهیجی، ۱۳۵۰: ۳۸۳)

و جای دیگر می‌گوید:

می عشقست که عالم همه افسانه اوست خرد پیرِ خراباتی دیوانه اوست
(همان: ۲۶۲)

بیشتر اشعار حزین به فروغ انسانیت و ایثار و جوانمردی نورانی و مزین گشته است. او آیین و منش مردانگی و جوانمردی را دوست می‌دارد. ایشان معتقد است که همه انسان‌ها با یکدیگر همدلی و همدردی می‌ورزند؛ در حقیقت آن کس که از این فضیلت بی بهره است، شایسته این جهان نیست چنانچه همه جا عواطف انسانی، همدلی و محبت و پیوستگی افراد بشر به صورت‌های گوناگون جلوه‌گر است. در نظر حزین، احسان و نیکوکاری از هر عبادتی والاتر است. در حقیقت حزین سراینده عمیق‌ترین دردهای انسانی است. کمتر شاعری چون حزین حساس و آتشین و غمناک دیده شده و کمتر شاعری چون او، دلی لبریز از اندوه و درد داشته است.

تاریخ حزین و اهمیت نثر و دیوان اشعار

تاریخ زندگی و شرح مسافرت‌های حزین یکی از پر حوادث‌ترین و پرماجرترین تاریخ‌ها و زمان او یکی از پر آشوب‌ترین ادوار تاریخ ایران است. اهمیت دیگر تاریخ و زندگی حزین سندیت مطالب و معتبر بودن جنبه‌های تاریخی آن است که نمونه نثر فصیح و بی‌تکلف اوست و به قول مرحوم ملک‌الشعراء بهار از حیث سلامت و پختگی، قابل توجه و منحصر به فرد است. صرف نظر از اهمیت تاریخی و نثر فصیحی که حزین از خود بجای گذاشته، شاید در طول چهارده قرن که از تاریخ ادبی این مملکت گذشته؛ شرح احوال هیچ یک از شاعران پیشین بدین وضوح و روشنی و در عین حال جامعیت باقی نمانده است. حزین لاهیجی دارای پنج دیوان بوده که «نخستین دیوان»، مشتمل بر قصاید، مثنوی‌ها، غزلیات و رباعی‌ها که بالغ بر هشت‌هزار بیت است. «دیوان دوم» حزین در حدود ۱۰ هزار بیت بوده است که مثنوی «تذکره العاشقین» که حدود ۱۰۰۰ بیت داشته در آن جای دارد. «دیوان سوم» او در حدود چهار هزار بیت است که اشعاری در بیان احوال و بی‌وفایی دنیا سروده است. (این دیوان و دیوان نخستین و دیوان دوم او در حمله افغان‌ها از بین رفته است.) «دیوان چهارم» او حدود یک‌هزار بیت است

که در آن زمان به حالت انزوا به سر می‌برده است. «دیوان پنجم» به طوری که خود حزین در تذکره‌المعاصرین نوشته دیوان پنجم را همزمان با تاریخ تدوین تذکره (۱۱۶۵ ه.ق) در هند جمع آوری کرده است (ر.ک: حزین لاهیجی، ۱۳۵۰: ۶-۷). «ایشان رابطه ایران و هند را در شعر و هنر خویش در دوران صفوی نشان داده است» (زرین کوب، ۱۳۷۱: ۱۵۰). حزین لاهیجی گهگاه طعنه‌هایی به شعرای هندوستان داشته و باعث گردیده بعضی از شاعران هندی با وی به دشمنی برخیزند (ر.ک: زرین کوب، ۱۳۸۵: ۴۵۳). گفته شده که حزین به کسی توجه نکرده و در صدد عیب‌جویی از شعرا برآمده است و این امر باعث واکنش و ایراد سخن درباره شعر او شده تا جایی که آثاری نوشته شده که آن را سررشته علم نقد در ادبیات فارسی محسوب می‌کنند (ر.ک: شمیسا، ۱۳۸۳: ۱۱۷-۱۱۸). حزین در طول عمر خود با اطلاع بسیطی که در اکثر علوم و فنون داشته آثار و تألیفاتی دارد که به ترتیب شامل:

در علم کلام: رساله امامت، بشارت النبوت.

در فلسفه: حاشیه بر امور عامه، رساله توفیق، رساله تجرد نفس و ...

رجال: تذکره المعاصرین، اخبار خواجه نصیرالدین طوسی و ...

تاریخ: تاریخ حزین (شامل احوال، مسافرت‌ها و ...).

موضوعات مختلف: رسالات و تألیفات حزین که در زمینه علوم مختلف می‌باشد.

در شناخت شعر آیینی از زبان صاحب‌نظران و برخی از شاعران آیینی سُرّا به تعاریف مختلفی برمی‌خوریم که از بعضی جهات با یکدیگر متفاوت‌اند: در ایران شعر آیینی در همه ادوار رونق داشته است اما شعر ولایی به دلیل تعهد شاعران شیعی به ائمه اطهار از قداست برخوردار بوده و توجه بیشتری به آن می‌گردد (ر.ک: محمدپور، ۱۳۸۷: ۴۳). شعر آیینی با مرثیه پیوند خورده است و آنچه درباره بزرگداشت و ستایش مردگان رایج است رثاء یا مرثیه گفته می‌شود (ر.ک: زرین کوب، ۱۳۸۱: ۱۵۵). و گاهی «اشعاری را هم که شاعران گه گاه در بیان مصائب و آلام خویش - فردی یا اجتماعی - سروده‌اند به این گونه مرثی می‌توان ملحق کرد» (همان: ۱۵۵). حزین علاوه بر شعر آیینی در عرفان و شریعت هم مرتبه مخصوصی دارد. عاشقی است که پایبند دستور شرعی بوده و به وقت سحر به سجود است و در حالت نماز هم تماشای جلوه محبوب می‌کند. در گشایش رازهای سربسته، حتماً احتیاج به یک عارف کامل است تا بر عاشق زار، ادراک اسرار الهی را آسان کند. لذا لازم است که عاشق هم در جستجو و تلاش محبوب،

خود را بی‌خود و سرمست و گم‌کند و حزین لاهیجی بیش از آن‌که مویه کند نگاهی عبرت‌آموز به آن داشته و با بیانی عارفانه نگاه متفاوت یک شاعر را به تصویر کشیده است. اما در شعرهای آیینی حزین در وصف باری‌تعالی ازل را با ابد می‌پیوندد و نوای «هو الاول و الآخر» سر می‌دهد و از لامکان مکان گستر می‌گوید. با این روش، شعر آیینی را از وجه پوپولیستی و عامه‌گرایانه به شعر خردمندانه سوق می‌دهد.

ازلش تا ابد دو تا نبود	ابـدش از ازل جدا نبود
اول و آخرست ار اسـمـایش	لیک واحد بود مسـمـایش
وحدت او منزه از عددی	بی‌شریکی است معنی احدی
ذاتش آیینۀ تجلی علم	علم او درگشای جوهر حلم
لامکان آفرین، مکان گستر	کبریایش از این و آن برتر

(حزین لاهیجی، ۱۳۵۰: ۷۷۵)

«در بین مرثیه‌هایی که موضوع آن‌ها، نه یک عزیز از دست رفته است نه یک ممدوح گمشده صادقانه‌ترین انواع، مرثی مذهبیه است» (زرین کوب، ۱۳۸۱: ۱۵۷). وقتی نام مرثیه و شعر عاشورا ذکر می‌گردد، ناخودآگاه به یاد ترکیب‌بند محتشم کاشانی که دربارهٔ واقعهٔ کربلا سروده می‌افتم. این مرثیه‌ها به دلیل «صداقت احساس گویندگان تأثیر قوی دارند و در بعضی موارد نمونهٔ اعلای مرثیه بشمار توانند آمد» (همان: ۱۵۷).

آیین‌گرایی حزین

اشعار حزین لاهیجی با عقلانیت، اندیشه‌ورزی و عرفانی، جلوه‌های ادبیات آیینی را به تناسب زمان خود با شاعران قبل و هم‌عصر خود به نگارش در آورده است. شعر آیینی حزین با رویکردی منطقی و با نگاهی زیرکانه، همهٔ مدارج و دستوره‌های عرفانی را که دانشوران ادبیات برای شعرهای عرفانی قایل شده‌اند را داراست. یعنی شریعت، طریقت، وحدت الوجود، مرشد کامل و یا سالک که راه منزل معشوق حقیقی را نشان می‌دهد. در نگاه عارف کامل در این جهان حادث هر چه که ظاهر می‌شود و یا پیدا است؛ پسندیدهٔ الهی است و در هر شیء جلوهٔ محبوب را می‌بیند. حتی مجبور می‌شود که بگوید: «همه اوست» و رفته رفته به منزلی می‌رسد که می‌گوید: «من تو شدم تو من شدی» و وقتی می‌آید که می‌گوید: «أنا الحق».

قصاید حزین

در قصاید حزین حمد و ستایش خدا دیده می‌شود. حزین نیز برخی از قصاید خاقانی را تقلید نموده، اما در استعارات نوین و اظهارات متین به چیره‌دستی خاقانی نیست. طرز بیان حزین غالباً ساده است؛ چون وی مرد مذهبی و عالم ادبیات عربی بود و لغت غنی و پرمعنی‌اش مرهون و مدیون آن است. این امر از تذکره‌الاحوال وی واضح است. حزین از الفاظ فارسی، جمع عربی می‌سازد. مثلاً سردسیرات و گرمسیرات و جمع عربی را در فارسی جذب می‌کند، مثل شهرهای معتبره. مشخصه دیگر او، کاربرد بعضی واژه های هندی است که بین شعرای ایرانی معاصرش در هند عموماً بکار می‌رفتند.

در ایران و هند، حزین را بنابر نجابت، تقدس و دانشوری‌اش محترم می‌شمردند. هر چند وی اغلب وقت خود را در دربار و مصاحبت پادشاهان و نجیبان می‌گذراند؛ ولی هیچ قصیده‌ای در مدح آنان نگفت. در تمام کلیات، حتی بیتی به مدح پادشاه یا نجیبی یافت نمی‌شود و اغلب قصیده‌هایش در ستایش ائمه اطهار می‌باشند. حزین در قصیده‌ای خطاب به پدرش این امر را تأیید و علتش را بیان می‌کند:

ز فرماندهانِ عرب یا عجم	نراندم به مدح بزرگانِ قلم
که هر کس بگوید خوشا حال او	مگر مدح پیغمبر و آل او
وگر از طمع دانه می‌کاشتم	اگر سود دنیا غرض داشتم
خریدار بودند شعرم به جان	تفاخرکنان، سروران جهان
شکر می‌فشاندم به کام کسی	زبان می‌گشودم به نام یکی
ولی بود بر همت من وبال	نبودی دریغ از منش ملک و مال
مرا یک جبین ست و یک جا سجود	به گردون نیامد سر من فرود

(حزین لاهیجی، ۱۳۵۰: ۸۰۴)

به علل سیاسی بود که حزین ایران را به قصد هند ترک کرد. سپس از شهرهای مختلف هند، شامل پایتخت، دهلی، در اواخر سال ۱۱۴۹ هجری دیدن کرد و بالأخره شهر مقدس هندوان، بنارس را که خیلی دوست داشت، به عنوان اقامتگاهش برگزید.

شعر مناجات

حزین لاهیجی که از اعقاب شیخ عبدالقادر گیلانی است و از آبشخور عرفان و معرفت الهی

نوشیده است، همانند دیگر شاعران عارف و دلسوخته با خداوند مناجات‌هایی دارد و «قصاید حزین مخصوص به حمد خداست» (صدیقی، ۱۳۸۴: ۱۳). شعر زیر در قالب مثنوی و در وزن «فعولن فعولن فعولن فعل» سروده شده و حاوی مناجات حزین دلسوخته با خالق هستی است:

خدایا به جاه خداوندی‌ات	که بخشی مقام رضامندی‌ات
طمع نیست از کشت بی‌حاصلم	به خشنودی‌ات کار دارد دلم
بسی شرمسارم ز نفس فضول	ز طاعت مکدر، ز عصیان ملول
که نیک و بدم هر دو نبود روا	چو عصیان بود طاعتم ناسزا
ندارم به جز عفو چیزی به کف	شد از کف مرا نقدِ فرصت تلف...
به درگاهت آورده‌ام عجز خویش	سر از شرم بی‌برگی افکنده پیش
نگیری چه‌سان دست افتاده‌ای	که خود از کرم هستی‌اش داده‌ای؟
به یک عمر در نعمتت زیستم	گدای درت نیستم، کیستم؟
اگر هست بنما در دیگرم	وگر نه به حرمان مران زین درم
در افتادگی از که خواهم مدد؟	مدد از که افتادگان را رسد؟...
که عصیان به کوی کریمان برند	گنه هدیه آرند و غفران برند
به هر حاجتم از تو امیدوار	که هم فیض بخشی، هم آمرزگار

(حزین لاهیجی، ۱۳۵۰: ۵۲۶)

ریاض السَّحَر در مدح پیامبر (ص)

بسیاری از شاعران در مدح پیامبر اکرم محمد مصطفی (ص) اشعاری را سروده و آغاز کتاب خود را بعد از ستایش خداوند، به نعت پیامبر اختصاص داده‌اند. در خصوص شعر حزین ذکر شده «آن چیزی که قصاید حزین را از پیشینیان ممتاز می‌سازد؛ پرداختن به موضوعات دینی و مذهبی از توحید پروردگار و نعت رسول اکرم (ص) و به ویژه مدح و منقبت حضرت علی (ع) است» (مؤذنی، ۱۳۹۴: ۱۲۶). حزین در قصیده ریاض السَّحَر بیان می‌کند که وجودش از ستم روزگار پر از درد گشته و تنها از وجود پیامبر اکرم شادمان است:

شادم که قضا ساخته محراب جبینم	درگاه خداوندِ عرب را و عجم را
سلطان رسل، احمد مرسل که ز نعتش	شأن دگر افزوده رقم را و، قلم را
بخروش «حزین!» کز نفس سینه خراشت	نشر کده گردید جگر، مرغ حرم را

(همان، ۱۳۵۰: ۱۲۱-۱۲۴)

در حقیقت وجود پیامبر همچون مرحمی برای آلام حزین پر از غم بوده و وجود ایشان مایه ارزش قلم و شعر حزین است.

قصیده در مدح حضرت محمد (ص)

حزین لاهیجی قصاید متعدد در مدح پیامبر اکرم (ص) سروده که نشان از دلبستگی خاطر این شاعر به پیامبر و ارزش‌های دینی است، وی اذعان می‌دارد که قلمش بازتاب صفات سرور انبیاست:

جان، تازه ز تردستی ابرست جهان را
آبی ز رخ آمد، چه زمین را چه زمان را
افلاک شد از عکس گل و لاله، شفق رنگ
مشاطه نوروز بیاراست جهان را
نای قلمم را، دم جان بخش دمیدم
تا عرضه دهم «سرورِ قوسینِ مکان» را
(همان: ۱۲۴ - ۱۲۷)

حزین در سرودن این قصیده فوق از انوری اقتباس کرده است (ر.ک: مؤذنی، ۱۳۹۴: ۱۲۹). پیامبری که آیت رحمت و به مصداق آیه شریفه قرآن «وَإِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ» (قلم / ۴): (و تو اخلاقی بزرگ و برجسته‌داری)، و صاحب خلقی کریم است:

سالار رسل، احمد مرسل، که ز نامش
اندوخته کونین، حیات دل و جان را
آن آیت رحمت، که گل خُلق کریمش
از حلم، سبک سنگ کند کوه گران را
(حزین لاهیجی، ۱۳۵۰: ۱۲۴ - ۱۲۷)

حزین لاهیجی، همواره صدق و ارادت خود را به حضرت ختمی مرتب بیان می‌دارد:

در بندگیت، صدق من از جبهه عیانست
ای پیش تو سیمای عیان، راز نهران را
از شهرت کلکم، سرگردون به سماعست
سیمرغ، پرآوازه کند قاف جهان را
(همان: ۱۲۴ - ۱۲۷)

شعر حزین مایه حسادت حاسدان شده است، چنانکه آن را دریای پرگهر معانی می‌یابند:

حاسد ز کلامم به شگفت آمد و می‌گفت
کاین مایه گهر، کو کف بحر و دل کان را؟!
(همان: ۱۲۴ - ۱۲۷)

شعری که پر از مدح پیامبر (ص) است و دهان را گهربار کرده و اسم پیامبر مایه روشنی چشم حزین است، واژگان آن نیز با نبوغ و طبع حزین به زیبایی در جای خود تعبیه گشته‌اند:

ناید عجیش گر شود از فیض تو واقف
نعت تو، کند پر ز گهر دُرَج دهان را
ای خاک درت قبله آمال دو عالم
گردی برسان چشم «حزین» نگران را

(همان: ۱۲۴ - ۱۲۷)

قصیده دیگر در مدح حضرت رسول اکرم (ص)

محبت حضرت ختمی مرتبت محمد مصطفی (ص) در وجود حزین از روزگار کودکی وجود داشته و حزین با اسم پیامبر و خاندان و منش ایشان نشو یافته و با زندگی نامه و احادیث و گفتار پیامبر نیز آشناست، چنانکه از ابیات این قصیده، قلندروار خود را محبّ پیامبر دانسته و این سخن مشهور پیامبر که فرموده «بوی بهشت را از جانب یمن استشمام می‌کنم» در کلام حزین لاهیجی بازتاب یافته است:

مرغ شب پیشتر از آن که برآرد آواز	دل شوریده نوا، زمزمه ای کرد آغاز...
دام از شور جنون، بال و پر شوق به هوش	کردم از شوق درون، روزنه گوش فراز
تا چه رازست که از پرده برون می‌آید؟	تا چه تارست که اندیشه کشیده‌ست به ساز...
نفسم، همسفر قافله بوی یمن	نالِه من، حُدی دشتِ نوردان حجاز...
وقت آنست که در بزم محبت، من و دل	برفروزیم به محراب دعا شمع نیاز
شام آحاب تو روشن، ز دل نورانی!	دشمن جاه تو را، سر بود اندر دم گاز!

(همان: ۱۲۹-۱۳۰)

قصیده در مدح امام علی (ع)

چنانکه ذکر گردید شعر آیینی در زمان صفویه رایج شد و ایرانیان از آن زمان به مذهب تشیع درآمدند. ستودن و مدح ائمه معصومین نیز از هنر شاعران محسوب شده و در سال‌های بعد نیز نتیجه آن در اشعار عاشقان اهل بیت مشاهده گردید. حزین لاهیجی و دیگر شاعران گیلانی همچون دیگر شاعران این سرزمین به ائمه اطهار (س) ارادت ویژه‌ای داشته‌اند و در اشعار خود به فضایل و شخصیت ائمه توجه نشان داده‌اند. حزین لاهیجی که از شاعران سبک هندی است، خود را پیرو علی (ع) دانسته و مشاهده‌ای روحانی داشته و به او سلام می‌دهد:

آمد سحر ز کوی تو دامن‌کشان صبا	اهدی السلام منک علی تابع الهدی
شد زان سلام زنده عظام رمیم من	گفتم به صد نیاز که اهلا و مرحبا

(همان، ۱۳۰-۱۳۵)

حزین لاهیجی می‌گوید که ناگهان از این رؤیا جدا گشته و گریان شده است:

آن خوش نسیم کرد چو آهنگ بازگشت بازآمدم به خویش از آن سکر دلگشا

یک دامن اشک در قدمش ریختم به عجز گفتم به او نهفته که: روحی لک الفدا
(همان)

حزین لاهیجی در رؤیا و بیداری صدای سروش غیب را می شنود که صفات امیرالمؤمنین
علی(ع) را ذکر می کند:

چون می کنی زیارت آن خاک آستان چون می رسی به درگه آن کعبه صفا
نفس نبی، علی ولی، حجت جلی صاحب لوای هر دو سرا شاه اولیا
جانم ز هوش رفت ازین خوش ادا سروش بیگانه ساخت از خودم این حرف آشنا
شاه! تویی که از کرمات خاطر حزین دارد ز خوشدلی به رخ صبح خنده ها
(همان)

حزین لاهیجی که از رهروان راه ولایت است؛ نام این قصیده را منهج الولا یا راه راست ولایت
نامیده است:

بیگانه نیست در نظر رهروان عشق گر نام این قصیده نهم منهج الولا
(همان)

قصیده در مدح امام رضا(ع)

حزین در قصیده زیر عشق و ارادت خود را نسبت به امام رضا (ع) ابراز می دارد، محبت و
عرض ادب نسبت به ایشان را مایه زندگی می داند:

در کالبد مرده دمد جان چو مسیحا آن لب که زمین بوسی درگاه رضا کرد
سلطان خراسان که زواق حرمش را تقدیر به خشت زر خورشید بنا کرد
(همان: ۱۶۴-۱۷۰)

و در ادامه حضرت امام رضا را شاه غریبان دانسته و از ایشان نظر و تفقدی را برای ارادت
قلبی و زیارت می طلبد:

از حال «حزین» آگهی و جان اسیرش دانی چه جفاها که به وی جسم فنا کرد
یک بار هم آواره خود را به درت خوان در حسرت کوی تو چها دید و چها کرد
آن روز که کردند رخ ذره به خورشید اقبال، مرا هم ز غلامان شما کرد
یا شاه غریبان! مددی کن که توام یک سجده شکرانه به کوی تو ادا کرد
(همان)

ترکیب بند در مدح امام حسین(ع):

ماجرای شهادت حضرت امام حسین (ع) و هفتاد و دو همراه‌شان همواره مورد توجه دوستداران خاندان عصمت و طهارت بوده و شاعران زیادی از این واقعه سخن گفته و در این باره مرثیه‌سرایی کرده‌اند. حزین لاهیجی نیز اشعاری با موضوع عاشورا و امام حسین علیه‌السلام به شیوهٔ مرثیه در توصیف اربعین سروده است که حاوی ارادت قلبی‌اش نسبت به امام سوم شیعیان است. شعر رستخیز قیامت در قالب ترکیب‌بند در وزن «مفعول فاعلات مفاعیل فاعلن» با مطلع زیر شروع می‌شود:

توفان خون ز چشم جهان جوش می‌زند	بر چرخ، نخل ماتمیان دوش می‌زند
یا رب! شب مصیبت آرام‌سوز کیست	امشب که برق آه، ره هوش می‌زند؟
روشن نشد که روز سیاه عزای کیست	صبحی که دم ز شام سیه‌پوش می‌زند

(همان: ۶۶۵)

این شعر درون‌مایه‌ای سوگوارانه در شهادت امام حسین (ع) دارد. حزین از غم شهادت کربلا، این قصیده را توفان ناله و اندوه می‌داند:

ساکن نمی‌شود نفس ناتوان من	زین دِشنه‌ها که بر لب خاموش می‌زند
گویا به یاد تشنه‌لب کربلا، حسین	توفان شیونی ز لبم جوش می‌زند
تنها نه من، که بر لب جبریل، نوحه‌هاست	گویا عزای شاه شهیدان کربلاست

(همان)

حضرت اباعبدالله حسین مورد توجه پیامبر اکرم بوده و در این باره حکایاتی نیز ذکر شده است و حزین لاهیجی از محبت حضرت ختمی مرتبت به فرزند فاطمه می‌گوید و امام حسین(ع) را سرآمد نیکی‌ها دانسته و در سوگ شهادت این امام همام، چشم‌هایش را لایق خون‌گریستن می‌داند:

شاهی که نور دیدهٔ خیرالانام بود	ماهی که بر سپهر معالی، تمام بود
خون، دیده‌ها چگونه نگرید بر آن شهید	کز خون به پیکرش کفن لعل‌فام بود
آن خضر اهل‌بیت به صحرای کربلا	نوشید آب تیغ، ز بس تشنه‌کام بود

(همان)

«تشنه کشته شدن شهیدان کربلا که نمودار کمال قساوت یزیدیان در رفتار با خانوادهٔ پیغمبر

بود، موضوعی مشهور در ابیات مذهبی و تعزیه‌نامه‌هاست» (یوسفی، ۱۳۷۷: ۲۸۵). حزین در ابیات زیر از تشنگی ایشان در زمان شهادتش چنین نوحه می‌سراید:

تفتند ز آتش عطش آن لعلِ ناب را سنگین دلان مضایقه کردند آب را
ای مرگ! زندگانی از این پس وبال شد جایی که خون آل پیمبر حلال شد
(حزین لاهیجی، ۱۳۵۰: ۶۶۵)

امام حسین (ع) با شعار «هیئات من الذله» آگاهانه به استقبال شهادت رفته و به این هدف نیز می‌رسد:

تن زد در این شکنج بلا تا قفس شکست بر اوج عرش، طائر فرخنده‌بال شد
(همان)

حزین لاهیجی در سرودن این شعر از محتشم کاشانی تأثیر پذیرفته است. «چهارصد سال است که فارسی زبانان شیعه مذهب در مراسم سوگواری سرور شهیدان، عواطف و احساسات خود را از خلال دوازده بند مشهور محتشم کاشانی (۹۹۶ه.ق) بر زبان می‌آورند و ابیات آن را در عزاداری‌ها می‌خوانند و بر در و دیوار تکیه‌ها می‌نویسند» (یوسفی، ۱۳۷۷: ۳۷۹). حزین لاهیجی علت غم و غصه‌ها در دنیای خاکی را شهادت امام حسین (ع) می‌داند که باعث شور رستخیز در عالم شده است:

ز آن موج‌ها که خون شهیدان به خاک زد توفان غم گرفته جهان را، غبار کو؟
تا کی خراش دیده و دل، خار و خس کند آخر زبانه غضب کردگار کو؟
کو مصطفی که پرسد از این امت عنود کای جانیان! ودیعت پروردگار کو؟
کو مرتضی که پرسد از این صرصر ستم بود آن گلی که از چمنم یادگار، کو؟
ای شور رستخیز قیامت! درنگ چیست؟ آگه مگر نه‌ای که به عالم عزای کیست؟
(حزین لاهیجی، ۱۳۵۰: ۶۶۵)

واژگان رستخیز قیامت، عزا، توفان غم گرفته و موج خون شهیدان نشان از تأثیر حزین از محتشم است. در اشعار آیینی؛ حزین لاهیجی با بینشی عرفانی، منطقی و اجتماعی به توحید خداوند بی‌همتا، نعت پیامبر (ص)، ائمه اطهار پرداخته است.

امام مهدی (عج)

حضرت مهدی (عج) که با القاب متعدد از جمله ولی عصر و امام زمان از او یاد می‌شود، حجت خدا و ناجی بشریت است. ایشان برای تحقق وعده‌های الهی و برقراری عدالت ظهور خواهند

کرد و تمامی شیعیان و محبان‌شان آرزوی دیرینه حکومت ایشان در دل داشته و شاعران محب ولایت نیز در این باره مطالبی سروده‌اند. حزین لاهیجی در مدح امام مهدی (عج) می‌گوید:

ای چرخ! دست فتنه بلندست خویش را
زیر لوای خسرو عالی جناب کش
مهدی بگو و از شرف نام نامیش
طغرای فخر بر ورق آفتاب کش
صهبای ذکر دوست خرد سوز شد حزین
آتش شو از جگر، نفس شعله تاب کش
دلدار در دلست گر از دیده غائب است
عرض نیاز را به بساط خطاب کش

(همان: ۱۹۶-۲۰۰)

حضرت مهدی (عج) دوران غیبت صغری و کبری داشته و در این باره روایت متعدد ذکر شده است. شیعیان همواره برای ظهور ایشان دعا کرده و حزین لاهیجی در خصوص ظهور امام دوازدهم این گونه دعا می‌کند:

ای مهر جانفروز! ترا از حجاب ابر
عالم گرفت تیرگی از رخ نقاب کش
(همان)

و غزل زیر با موضوع انتظار در وزن «مفعول مفاعیل مفاعیل فعولن» درباره ظهور حضرت مهدی سروده شده است:

از رفتن دل نیست خبر اهل وفا را
تا باد صبا بوی تو را در چمن آرد
باشد همه شب نام خوشت ورد زبانم
در کوی تو دیگر به سرافرازی ما کیست؟
عمری ست «حزین» را کف امید فراز است
امید که محروم نسازند گدا را
آن کس که تو را دید نداند سر و پا را
برداشته هر شاخ گلی دست دعا را
أَصْبَحْتُ عَلٰی ذِكْرِكَ سِرًّا وَ جَهَارًا
گر عشق کند خاک به راحت سر ما را

(همان: ۵۷)

حزین ممدوح خود را ستوده و گل‌ها نیز در انتظار و دعا تصور کرده است، در حقیقت عناصر طبیعت را به خدمت گرفته و با تصویرسازی مفهوم خود را القا می‌کند. صداقت در گفتار و اظهار ارادت حزین در مدح و منقبت ائمه در اشعارش موج می‌زند (ر.ک، مؤذنی، ۱۳۹۴: ۱۲۶).

اشعار عرفانی

حزین اشعار زیاد عرفانی در قالب غزل سروده است، غزل زیر در وزن «فاعلاتن مفاعلتن فعولن» گویای رهایی حزین از خود و تلاش در جهت رسیدن به عالم ماسواست:

دل آزاده با خدا باشد / ذکر، نسیان ماسوا باشد
 دل چو خالی شد از خیال خودی / حرم خاص کبریا باشد
 می‌رسد هر نفس نسیم وصال / خُنک آن دل، که آشنا باشد
 ای رخت قبله گاه مشتاقان / کس مباد از درت جدا باشد
 جلوه کن در لباس یکتایی / تا من و ما، تمام لا باشد
 هر که فانی شود ز خویش «حزین» / «مَنْ رَءَانِي فَقَدْ رَءَا» باشد

(حزین لاهیجی، ۱۳۵۰: ۱۹۸)

دربارهٔ علاقهٔ وی به عرفان ذکر شده «حزین عارف بود و عرفان مشخص ترین جنبهٔ شعر اوست. تمایلات عرفانی در کودکی حزین ظاهر بود، زیرا وی تعلیم ابتدایی را از رادمردی مثل شیخ خلیل الله طالقانی یاد گرفته است.» (صدیقی، ۱۳۸۴: ۱۱) در باب پرداختن به مضامین عرفانی در دیوان حزین لاهیجی به کلامی کوتاه بسنده کرده، زیرا دیوان او سرشار از اندیشه‌های حکمی و عرفانی است و چه بسا تحقیق و پژوهشی مستقل را می‌طلبد.

نتیجه‌گیری

شعر آیینی از معتبرترین حوزه‌های شعر معاصر است و حزین لاهیجی در کنار شاعران بزرگ ایران و گیلان توانسته است در تحول و تعالی آن سهم بسزایی داشته باشد. اشعار حزین دارای مضامین اخلاقی، اجتماعی و عرفانی است. ضرورت دارد شاعران معاصر در رسالت بزرگی که دارند، برای ارزش نهادن به اندیشهٔ خداپرستی، دین اسلام، پیامبر (ص) و اهل بیت (ع)، منطق و عقلانیت را پیشه راه خود کنند و اشعار آیینی خود را به مانند حزین لاهیجی پر محتوا و دل‌انگیز بسرایند و شایسته است از تحریف، عوام‌فریبی، غلو و افراطی‌گری‌ها پرهیز نمایند.

همواره ایرانیان ارادت خود را به بزرگان دینی و ائمه اطهار با زبان نظم و نثر بیان کرده‌اند و ادبیات فارسی نیز سرشار از اعتقادات و باورهای دینی ایرانیان مسلمان بوده است. شاعران گیلانی نیز همچون دیگر شاعران این سرزمین از دیرباز دیوان اشعار خود را با اشعار آیینی آراسته و به مدح اهل بیت پرداخته‌اند و دوستی خود را به پیامبر اکرم (ص)، امام علی (ع) و دیگر امامان شیعه در قالب شعر به نمایش گذاشتند.

حزین لاهیجی شاعری است که از هر گونه افراط و تفریط جریان‌های شعری معاصر به دور است و پیوند شعری بسیار قوی با میراث گذشتگان شعر و ادب فارسی دارد.

نتایج این پژوهش نشان داد که حزین لاهیجی شاعر گیلانی، همانند شاعران مشهور قبل و هم عصر خود به شخصیت والای ائمه اطهار توجه نشان داده و به مدح و منقبت ایشان پرداخته و از مصیبت‌ها و مظلومیت آنان سخن گفته‌است. حزین در بیان مصیبت کربلا از ترکیب بند محتشم کاشانی تأثیر پذیرفته است، همچنین از نظر قالب‌های مورد استفاده شاعران باید گفت وی از انواع قالب‌های سنتی همچون قصاید، غزل، دوبیتی در اشعار آیینی بهره گرفته است.

منابع

کتاب‌ها

قرآن کریم.

جعفری، سید محمد یونس (۱۳۷۶) *ارمغان ادبی پژوهش‌های ادبی در ادبیات فارسی هند*، تهران: مجموعه انتشارات ادبی و تاریخی.

حزین لاهیجی، شیخ محمد علی (۱۳۳۲) *تاریخ حزین*، اصفهان: انتشارات کتابفروشی تأیید.

حزین لاهیجی، شیخ محمد علی (۱۳۳۴) *تذکره حزین*، اصفهان: کتابفروشی تأیید.

حزین لاهیجی، شیخ محمد علی (۱۳۵۰) *تاریخ حزین یا احوال، ضمیمه دیوان حزین*، تصحیح بیژن ترقی، تهران: انتشارات خیام.

حزین لاهیجی، شیخ محمد علی (۱۳۵۰) *دیوان حزین لاهیجی*، تصحیح بیژن ترقی، تهران: انتشارات خیام.

حزین لاهیجی، شیخ محمد علی (۱۳۷۵) *تاریخ و سفرنامه حزین*، تحقیق و تصحیح علی دوانی، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

زرین کوب، عبدالحسین (۱۳۷۱) *سیری در شعر فارسی*، تهران: علمی.

زرین کوب، عبدالحسین (۱۳۸۱) *شعری دروغ شعری نقاب*، تهران: علمی.

زرین کوب، عبدالحسین (۱۳۸۵) *از گذشته ادبی ایران*، تهران: سخن.

شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۴۲) *حزین لاهیجی، زندگی و زیباترین غزل‌های او*، مشهد: انتشارات توس.

شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۷۱) *شاعر آینه‌ها (بررسی سبک هندی و شعر بیدل)*، تهران: مؤسسه انتشارات آگاه.

شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۹۶) *ادبیات فارسی از عصر جامی تا روزگار ما*، حجت‌الله اصیل، تهران: نشر نی.

شمیسا، سیروس (۱۳۸۳) *نقد ادبی*، چاپ چهارم، تهران: فردوس.

قربانی، زین‌العابدین (۱۳۸۰) *مجموعه مقالات کنگره بزرگداشت علامه ذوفنون محمد علی حزین لاهیجی (۱۶-۱۵ شهریور، لاهیجان)*، تهران: انجمن آثار و مفاخر - فرهنگی.

گلچین معانی، احمد (۱۳۴۸) *تاریخ تذکره‌های فارسی*، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

مجلسی، محمدباقر (۱۳۹۳) *بحار الانوار*، جلد ۸۹، قم: اسلامیه.

محدثی خراسانی، زهرا (۱۳۸۸) *شعر آیینی و تأثیر انقلاب اسلامی بر آن*، تهران: مجتمع فرهنگی عاشورا.

یوسفی، غلامحسین (۱۳۷۶) *چشمه روشن*، تهران: علمی.

مقالات

دلبری، حسن. (۱۴۰۱). آسیب‌های فرامتنی غزل آیینی معاصر. *پژوهشنامه فرهنگ و ادبیات آیینی*، ۱(۱)، ۱۱۵-۱۳۴. doi: 10.22077/jcrl.2022.4926.1021

محمدپور، اسماعیل. (۱۳۸۷). *بر موج آهو*. شعر، (۶۳)، ۴۲-۴۵.

مؤذنی، علی محمد. (۱۳۹۴). *استقبال و معارضه حزین لاهیجی در قصاید*. *مطالعات شبه قاره*، ۱۷(۲۴)، ۱۲۱-۱۴۰.

نوریان، سید مهدی، و خردمندپور، مسعود. (۱۳۹۳). *مضامین تعلیمی در شعر آیینی*. *پژوهشنامه ادبیات تعلیمی*، ۶(۲۳)، ۱۷-۳۸.

References

Books

Holly Quran. [In Persian]

Grrr nni, Zii ool'addin (1111) *Series of articles in the congress in honor of Allameh Zolfonoon Mohammad Ali Hazeen Lahiji* (15 – 16 of Shahrivar, Lahijaan), Tehran: Association of Cultural Works and Celebrities. [In Persian]

Gll iii n M' nni, Amnd (1999) *The history of Persian notes (Tazkareh)*, Tehran: Tehran University Press, Khordad. [In Persian]

Hazeen Lahiji, Sheikh Mohammad Ali (1953) *Hazeen's history*, Iffaaan: T'eed Bookstore Press. [In Persian]

Hazeen Lahiji, Sheikh Mohammad Ali (1955) *Hazeen's Note (Tazkareh)*, Isfahan: Ta'eeB Bkkttrr .. [In Persian]

Hazeen Lahiji, Sheikh Mohammad Ali (1971) *Hazeen Lahiji's Divaan*, Corrected by Bijan Taraghi, Khayyam Press, Tehran: Khayyam Press. [In Persian]

Hazeen Lahiji, Sheikh Mohammad Ali (1971) *Hazeen's history*, Attachment of Hzzee' v vwv,, rrr rett ed yy Bijnn Targgii , Terr nn: Khayyam Press. [In Persian]

Hazeen Lahiji, Sheikh Mohammad Ali (1996) *Hazeen's history & travelogue*, Research & Correction by Ali Davani, Tehran: Islamic Revolution Documents Centre. [In Persian]

aa'frri, yyyydd aaaa mmad Ysssss (1997) *Literary gift of literary research in Persian Literature of India*, Tehran: Collection of Literary and Historical Publication. [In Persian]

Majlesi, Mohammad Bagher (2014) *Beharol Anvar*, Volume 89, Qom: Eslamiyeh. [In Persian]

Mohaddesi Khorasani, Zahra (2009) *Ritual Poem and the Effect of Islamic Revolution on It*, Tehran: Ashura Cultural Complex. [In Persian]

Shafiee Kadkani, Mohammad Reza (1963) *Hazeen Lahiji: life and his most beautiful sonnets*, Mashhad: Tous Press. [In Persian]

Shafiee Kadkani, Mohammad Reza (1963) *Persian literature: from Jaami to the present*, Hojatollah Aseel, Tehran: Ney Press. [In Persian]

Shafiee Kadkani, Mohammad Reza (1992) *Poet of the mirrors (Review of Indian style and Bidel's Poems)*, Tehran: Agah Publishing Institute. [In Persian]

Shamisa, Syroos (2004) *Literary criticism*, Fourth Edition, Tehran: Ferdous

Yousefi, Gholamhosein (1998) *Bright spring*, Tehran: Elmi Press. [In Persian]

Zarrinkoub, Abdolhosein (1992) *A Survey in Persian poetry*, Tehran: Elmi. [In Persian]

Zarrinkoub, Abdolhosein (2002) *Poetry without a lie, Poetry without a veil*, Ninth Edition, Tehran: Elmi. [In Persian]

Zarrinkoub, Abdolhosein (2006) *From the Literary Past of Iran*, Tehran: Sokhan. [In Persian]

Articles

Delbari, H. (2022). Hypertextual damage in contemporary ritual qazal. *Ritual Culture and Literature*, 1(1), 115-134. doi: 10.22077/jcrl.2022.4926.1021. [In Persian]

Moazzani, A. M. (2015). Pastiche and confronting of Hazin Lahiji in odes. *Subcontinent Researches*, 7(24), 121-140. [In Persian]

Noorian, S. M. & kheradmandpoor, M. (2014). Didactic contents in the ceremonial poetry. *Didactic Literature Review*, 6(23), 17-38. [In Persian]

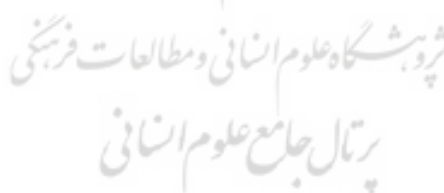
Interpretation and Analysis of Persian Language and Literature Texts (Dehkhoda)
Volume 15, Number 57, Fall 2023, pp. 450-471
Date of receipt: 25/4/2022, Date of acceptance: 21/12/2022
(Research Article)
DOI: [10.30495/dk.2022.1957417.2481](https://doi.org/10.30495/dk.2022.1957417.2481)

The Analysis of Ritual Poetry in Hazeen Lahiji's Divaan Mehtab Qodrat¹, Dr. Akram Rahmani², Dr. Abdolreza Modareszadeh³

Abstract

Ritual Literature is inextricably linked to the Persian thought and culture, and ritual Poetry is an important part of Persian Literature, and the poets give it special importance and prestige. It has a special position and background in Persian language. Ritual Poetry is a kind of poetry which is composed on rituals and many occasions in individual, social, national, religious and regional life. This kind of poetry contains the praise of the Holy Prophet of Islam (PBUH), Imams (PBUT), etc. With the victory of the Islamic Revolution, Ritual Poetry enters a new and unprecedented stage, and poets, due to the religious and epic nature of the revolution, turn to the Ritual Poetry in a different way than in the past. This study aims to investigate the position of the Ritual Poetry in the Divaan of one of the well-known poets of Guilan province, Hazeen Lahiji; and his Ritual poems, which are composed in the praise of the Holy Prophet (PBUH), Imams (PBUT) etc., will be analyzed. The results of this study show that Hazeen Lahiji has paid special attention to great human virtues of the Holy Prophet (PBUH) and Imams (PBUT) in his poems.

Keywords: Ritual poetry, Hazeen Lahiji, Prophet (PBUH), Imams (PBUT).



¹ . Ph.D. student, Department of Persian Language and Literature, Kashan Branch, Islamic Azad University, Kashan, Iran. mahtab.ghodrat@yahoo.com

² . Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Kashan Branch, Islamic Azad University, Kashan, Iran. (Corresponding author) peighamesoroush@yahoo.com

³ . Associate Professor, Department of Persian Language and Literature, Kashan Branch, Islamic Azad University, Kashan, Iran. Drmodarreszadeh@yahoo.com